

بگردد و می خواند محافل آن خواهد ریخت و سزا و ذریات ایشان را  
 خواهد گرفت باید که این شمار از ایمان بوی مانع نیاید که وی با این  
 در آن وقت که رسول صلی الله علیه و سلم بنی قریظ را محاصره کرده بود  
 جمعی از جوانان ایشان که آن وصیت را شنیده بودند گفتند ای  
 بنی قریظ و الله که این آن بجز است که این پیشبان گفته بود گفتند  
 وی آن نیست جوانان گفتند و الله که این دوست از حصار فرود  
 آمدند و ایمان آوردند و نفس مال اهل ایمان خود را این کردند پس  
**در این وقت که در فاعله این بر ارض رضی الله عنه**  
 گفته است که من و برادر من جلد بن رافع در غزات بدر بر شتر  
 بچه سواری شدند چون بر روضه رسیدیم شتر بچه مانده شد و گفت  
 برادر من گفت بار خدایانند که گویم که اگر ما را بیدینه باز کرد ای این  
 شتر بچه را قربان کنم نگاه رسول صلی الله علیه و سلم بر ما بگفتند  
 و ما را بر آن حال بدیدار خیم است مضمضه کرد و در ظرفی و طهر  
 ساخت بعد از آن گفت دمان شتر بچه را باز کنند و آن  
 آن دمان او ریخت بعد از آن بر سر آن و بعد از آن کردان

آن و بعد از آن بر کوفت آن بعد از آن بردم آن بعد از آن گفت  
 سوار شوید و رفت پس ما سوار شدیم و بر رسول صلی الله علیه و سلم  
 لایحی شدیم و ما را برداشته دو آن می برد ایمان وقت که از  
 ما رفتیم و بصلی رسیدیم باز بخت برادرم و بر اکتفت و بجز  
 قسمت کرد **در این وقت که در غزوه بدر پیش از آنکه حرب**  
 قائم شود رسول صلی الله علیه و سلم بدست مبارک خود اشارت  
 بر زمین میکرد و میگفت این موضع هلاک فلاسنت این موضع  
 هلاک فلاسنت پس بچاکس از آن موضع که تعیین کرده بود گفت  
 را امیر المؤمنین عمر رضی الله عنه گفته است سوگند بدان  
 که در اینجای فرستاده است که از آن جنمها که کشیده بود و جدا  
 که تعیین کرده بود در نیک شدند و بر حجاجها هلاک شدند و امیر المؤمنین علی  
 رضی الله عنه گفته است که آن وقت که بیدینه آمدیم رسول صلی الله  
 علیه و سلم خبر بدی رسید **در این وقت که چون مشرکان بدر**  
 متوجه شدند بجمع از جوانان از ایشان باز ماندند و در نیک در میان  
 صفا می گفتند و شکار بر یکدیگر میخواندند نگاه در انشای آن آواز می

آن بعد از آن